



هجوم تانک های عراقی به سمت خاک کشور ایران

در نشست مجازی «تاریخ نگاری دفاع مقدس در بوته توصیف، تحلیل ونقد» بررسی شد

تاریخ نگاری جنگ، ویژگی ها و آسیب ها

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

هفته گذشته نشست به مناسبت چهلمین سالروز آغاز جنگ تحمیلی باحضوردست اندر کاران تدوین تاریخ دفاع مقدس وصاحبنظران این حوزه باموضوع «تاریخ نگاری دفاع مقدس دربوته توصیف، تحلیل ونقد» در اندیشهگاه سازمان اسناد وتاریخ کتابخانه ملی برگزار شد. دراین نشست که بهصورت مجازی انجام پذیرفت، ضمن تأکید بر اهمیت پژوهش درحوزه تاریخ نگاری جنگ والزامات آن آقایان حسین علایی، محمد درودیان، خسرو طالبزاده، داوود رنجبر محسن رخصت طلب ومجید مختاری به طرح وبسط دید گاه‌های خود پرداختنند. در ابتدا غلامرضا ظریفیان، رئیس اندیشهگاه سازمان اسناد کتابخانه ملی ومجری نشست ضمن بزرگداشت یاد وخاطره شهدا، جانبازان، آزادگان وایثارگران بر اهمیت تاریخ نگاری جنگ تأکید وبیان داشت: تاریخ یعنی معاصریت به این معنا که پرسشگر با پرسش امروز خود به سراغ تاریخ می رود ومراکز اسنادی و پژوهشگران لازم است باهمکاری یکدیگر برای پرسش‌های نسل نو پاسخی درخور بیابند. وی بایادآوری این نکته که مشکل اساسی تاریخ نگاری جنگ موضوع پژوهش است ازحاضران در نشست دعوت کرد به طرح دید گاه‌های خود پیرامون، مشکلات وآسیب‌های تاریخ نگاری جنگ برداخته ویافته‌های خود را بامخاطبان در میان بگذاردند.

■ تاریخ مشابه چراغ راه آینده

نخستین سخنران این نشست حسین علایی، ازفرماندهان اصلی وفرمانده نیروی دریایی سپاه دردوران دفاع مقدس بود که با اشاره به اهمیت انتقال تجربیات دفاع ۸ساله به آیندگان بهدلیل تکرار تاریخ در قالب وقوع

حوادث مشابه، درس آموزی از وقایع گذشته را مهم دانسته و بیان داشت: «اگر اداره کنندگی دست یافته به ما حمله خواهد کرد، از این کشور با مسائل تاریخی آشنا باشند با مدد گرفتن از تجربیات گذشته می‌توانند بامدیریت مبتنی بر تئارب گرنهبا، مسائل وموضوعات پیچیده اجتماعی رابخوبی سامان داده واطرزی راه‌های رفته پرهیز کنند. از این‌رو کسانی که تاریخ جنگ را روایت و تحلیل می‌کنند

غرم» می‌کنند وتجربه حمله عراق می‌گویند، مسئولان کشور باید جدی بگیرند.»

■ آفات تاریخ نگاری جنگ

نخستین فرمانده نیروی دریایی سپاه در این نشست در ارتباط با آفات تاریخ نگاری جنگ یادآور می‌شود: «ما در ارتباط با تاریخ نگاری جنگ با آفاتی روبه روهستیم که یکی از آن آفات، علایق ذهنی نویسنده است. داوری تاریخ نباید نسبت به موضوعات پیش داور داشته باشد واین شایسته یک پژوهش علمی نیست. مورد دیگر تحریف‌های آشکار در روایت گری جنگ است. این درشرایطی اتفاق می‌افتد که فضا از لحاظ ذهنی و روانی برای کسانی که نگاه متفاوت دارند باز نیست تا آنها بیابند و حرف بزنند، مطلب بنویسند و تحقیق علمی کنند. من فکر می‌کنم یکی ازمسائلی که فرصت آن را نباید برای همه فراهم کرد این است که به کسانی که در حوزه جنگ تحقیق می‌کنند امکان تحقیق داده شود وآنان بتوانند یافته‌هایشان را عرضه کنند و در معرض قضاوت عموم قرار دهند. به علاوه شرایط فعال شدن کسانی که درجنگ حضور داشتند ازآن رنده هستند فراهم شود وآنان حرف‌هایشان را بزنند. این جمع برای همیشه نخواهد بود اگر این عده نتوانند حرف‌هایشان را بزنند معلوم نیست چه زمانی بتوانند دانسته‌هایشان را بیان کنند تا در تاریخ ثبت شود.

وقوع متن (زمینه وزمانه) و۴خواننده. این چهار رکن درهر واقعه‌ای، چه جزئی و چه کلی وجود دارد. گفته‌اند بهترین تفسیر، تفسیر متن است. یعنی متن خودش، خودش را روایت کند. (هرمنوتیک دستوری) اگر جنگ را بهمعنای یک متن درنظر بیآوریم، با قواعد و با ضوابط خودش وارد شویم، می‌توانیم حقیقت جنگ را دریابیم. بعد از این مرحله دیدند مؤلف مهم تر است. یعنی آن کسی که متن را می‌نویسد مهم‌تر است. بر اساس این مدل در مورد جنگ باید بگوییم فرماندهان، طراحان و کسانی که در شکل دادن به متن جنگ مؤثر بوده‌اند، مهم هستند. در هرمنوتیک سوم به مؤلف‌های برخوردند که واقعیت اجتماعی دارد. یعنی اینکه واقعه چگونه شکل می‌گیرد؟ در چه زمینه‌هایی؟ خانوادگی یا فردی؟ و چه تربیتی دارد؟ آیا از شهر به میدان نبرد آمده یا روستا؟ و با چه تحصیلاتی وغیره. در مرحله بعد هم گفتند آنچه ما می‌نویسیم یک متن صامت است و این خواننده است که به آن معنا می‌دهد. شما ه‌نوع که بنویسید، این خوانش من است که تعیین می‌کند معنای جنگ چیست؟ بنابراین، این فهم من است که تعیین می‌کند حقیقت ماجرا چیست؟ این نگاه یک مشکلی را در مورد تاریخ نگاری جنگ ایجاد می‌کند و ما را با مسائل مختلفی مواجه می‌کند. از این‌رو گفته می‌شود که مورخان شرح حال خودشان را می‌نویسند و ما براین اساس تاریخ جنگ نداریم، بنابراین مورخی که تاریخ جنگ می‌نویسد، تاریخ زندگی خودش را می‌نویسد. زمینه‌های اجتماعی هم که سیال‌اند.

یعنی اینکه هرکس می‌تواند بیاید و یک قسمتی از آن را بر جسته‌کند. مثل مارکسیست‌ها که به عوامل اقتصادی بهای می‌دهند یا کسانی که به عوامل اجتماعی یا سیاسی و فرهنگی توجه دارند، زمینه‌های اجتماعی هم سیال هستند. متن هم که امری در حال تعلیق است. یعنی رسیدن به حقیقت متن یک کار بسیار دشواری است و ما به تعداد خواننده‌ها، هم تاریخ داریم، هم واکنش داریم. جنگ ایران و عراق را اگر بخوایم با این مدل بحث کنیم، با یک تضاد سر و کار پیدا می‌کنیم. چرا که در حالی ما دنبال الگوسازی بودیم که جنگ هیچ الگویی نداشت و بر مبنای هیچ دانشی اتفاق نیفتاده بود. وقتی جنگ شروع شد ما دانش پشتیبان نداشتیم که بر مبنای آن با اندوخته تجربی و دانش آکادمیک به عملیات‌ها مواجه شویم. لذا در همه چیز آزمون و خطا داشتیم و در میدان عمل تجربه‌کسب می‌کردیم. فرماندهان مادر طول جنگ فرمانده شدند. همچنین سازمان جنگ و تشکیلات جنگ که در طول جنگ و مبتنی بر تجربه ساخته شد. حال چگونه می‌توانیم این را بر مبنای دانش آکادمیک توضیح دهیم و بگوییم جنگ چنین الگویی داشت. بنابراین همان طور که ما در جنگ الگو درست کردیم، باید به سراغ سبک تاریخ نگاری

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

ایران

وتحریف است. تاریخ شفاهی زمانی ارزش دارد که با اسناد مکتوب مغایرت نداشته باشد. ولی با حرف‌ها و محتواهایی مواجه هستیم که نه تنها با اسناد مکتوب، بلکه با خاطرات سایر افراد هم مغایر است و این یکی از دلایل به بن‌بست رسیدن پژوهش‌های جنگ است.

امور نظامی که جمع بین علوم نظامی و علوم محض است هنوز برای پژوهش‌های جنگ روشمند نشده است بنابر این با باید متوسل شوید به متدولوژی‌هایی که در تاریخ است یا متدولوژی‌هایی که در تاریخ سیاسی است تا به مشکلات پژوهش جنگی پایان دهیم وگرنه در مراکز علمی ما روش خاصی برای پژوهش جنگی وجود ندارد.

نکته دیگر تکرش جناحی سیاسی است که باعث شده بخش قابل توجهی از سوره‌ها و محققین تاریخ جنگ را از دست بدهیم این آسیب بزرگی به پژوهش جنگی وانتقال آن به نسل آینده به وجود آورده.

نکته دیگر غلبه احساس و عواطف بر تحقق واقعیت گرایی در جنگ است این نکته می‌تواند بر پژوهش‌های تاریخ نگاری جنگ لطمه بزند چون گاهی ما با نگاه عاطفی یا با نگاه حماسی یا با نگاه عرفانی به تحلیل جنگ هم ملاحظه نمود. اما پیش از آن باید به این پرسش پاسخ داد که تحولات نظامی چیست؟ چه خصوصیات و ویژگی‌هایی دارد؟

وبالاخره اینکه در تاریخ نگاری جنگ چگونه باید به این تحولات نظامی بپردازیم؟ من

در اینجا فقط به دو ویژگی تحولات نظامی می‌پردازم. اولین ویژگی جنگ و به تبع آن دفاع ۸ ساله ما به هم پیوستگی رویدادها و رخدادهای نظامی آن است. در واقع اتفاقات نظامی در جنگ به منابع حلقه‌هایی‌اند که به صورت زنجیروار به هم مرتبط هستند. در تاریخ نگاری جنگ پرداختن به یک حلقه، بدون توجه به حلقه‌های دیگر نمی‌تواند ما را به نتیجه‌گیری برساند. اما ویژگی دوم تحولات نظامی این است که همه رخداد‌های نظامی در سه سطح به ظهور می‌رسند. سطح استراتژیک، سطح عملیات وسطح تاکتیک. بنابراین در تاریخ نگاری جنگ بسنده کردن به سطح و بی توجهی به سطوح دیگر را ما به سرانجام نخواهد رساند و کار ناقص خواهد بود. تمام سطوح سه‌گانه در وقوع حوادث سهم دارند و برای درک دقیق و کامل آنها بایستی به عوامل آن اتفاق در همه سطوح پرداخت. نکته دیگر اینکه هرگونه تحقیق راجع به تاریخ نگاری جنگ با این شیوه مستلزم آن است که محقق با علوم نظامی یا از طریق آموزش یا از طریق تجربه آشنایی داشته و به یک فهم و درکی از مسائل نظامی. رسیده باشد تا بتواند رویدادهای نظامی را تجزیه و تحلیل کند.

■ در پژوهشگری تاریخ جنگ با بن‌بست مواجه هستیم

مواجهه مختاری، راوی دوران جنگ و درس به از زیبایی آفات وآسیب‌های تاریخ نگاری جنگ پرداخته ومی‌گوید: «من به نکاتی اشاره می‌کنم که مانع تحقق پژوهش در جنگ ایران وعراق است و این می‌تواند به تاریخ نگاری ما لطمه بزند. ۴۰ سال از آغاز جنگ می‌گذرد ونه‌زیک مرکز پژوهشی به جز مرکز مطالعات وتحقیقات جنگ، شکل نگرفته است. مراکز هم که در سپاه وارزش هست، نشان به آن نشان که چند سازمانی دارند که این نگاه موجب آسیب به تاریخ نگاری جنگ شده است.» وی در ارتباط با سایر آسیب‌های تاریخ نگاری پژوهشی به تفصیل به نکات دیگری اشاره می‌کند که عناوین آن‌ها عبارتند از: ناقص بودن اسناد جنگ/ در دسترس نبودن همه اسناد/ نبود ارتباط ارگانیک میان مراکز علمی - پژوهشی با مراکز اسنادی/ عدم توانایی پژوهشگران در بهره‌برداری از اسناد/ فقدان پژوهشگران بیگانگی نسل جدید پژوهشگران تاریخ جنگ بامتدولوژی وتحولات جنگ/ عدم پرسشگری وجود سوال پژوهشی در اغلب پژوهشگران تاریخ جنگ/ جنبه ایدئولوژیک یافتن جنگ وقفاع ۸ ساله / فقدان پژوهشگر/ ترجیح نگاه عاطفی و حماسی به نگاه علمی وجدی در پژوهش/ نفوذ جناح‌بندی‌های سیاسی در موضوع تاریخ نگاری دفاع مقدس/ و مسائل محور نبودن فعالیت‌های دفاع پژوهشی. مختاری در پایان سخنانش در نقد تاریخ شفاهی بیان می‌دارد: «ما به دلیل نبود پژوهشگر به‌خاطر گویی وتاریخ شفاهی روی آوردیم. حال آنکه تاریخ شفاهی اساسا پیوسته است. تاریخ شفاهی باید صرفا خبر جمع کنند وانتقال دهند به مرکز نیست. لذا کار اساسی ومقیق‌تری انجام می‌شود.

و این‌گونه می‌شود که عملا زمینه شکل گیری راولیان جنگ را هادانازی می‌شود. در خلال همان دوران راولگری بحث پژوهش و تحقیق شکل می‌گیرد و روی آن کار وطراحی می‌شود. این کاریکی از ابتکارات بسیار خوب دفتر سیاسی در بخش ثبت وقایع جنگ با حضور مجموعه راولیان است.»



| محمد درودیان



| داوود رنجبر



| خسرو طالبزاده



| غلامرضا قریبیان



| محسن رخصت طلب



| مجید مختاری



| حسین علایی

درواقع به مدیران و مدیریت بهتر آینده کشور یاری می‌رسانند و مانع تکرار تجربیات تلخ هستند. به‌همین دلیل تاریخ نگاران بویژه

تاریخ نگاران جنگ تحمیلی درعین ارزش آفرینی، باید به‌درست روایت کردن وقایع و رخدادها، همچنین اسیر ذهنیات و تفکرات قبلی خود نشدن هنگام نگارش تاریخ بسیار اهمیت دهند.» وی درهمین ارتباط افزود: در کتاب «یادداشت‌های علم» وزیر دربار شاه، یکی از مسائلی که تقریبا دائم در ملاقات با

با شاه مطرح می‌شود، موضوع اختلافات با عراق است. از خط مرزی تاوگ در اروند رود گرفته تا مسائل مربوط به کرده‌های بازاری و طالبانی، همین‌طور تأثیر رابطه ایران با قدرتهای بزرگ و نقش آن در رابطه با عراق، وقتی جنگ شروع می‌شود می‌بینیم اتفاقا همان‌ها تکرار می‌شوند. به‌عنوان مثال درمورد طالبانی‌ها می‌گویند طالبانی‌ها بسته به شرایط، یک موقع با ما هستند، یک موقع با دولت عراق که همین هم شد. یا در مورد امریکا وشواری و اینکه اینها چطور بین ایران و عراق تناسب برقرار می‌کنند. از صحبت‌هایش بر می‌آید که آنها به دنبال مسائل ومنافع خودشان هستند نه اینکه مسائل ایران و عراق حل شود. وقتی دقت می‌کنیم می‌بینیم برخی از وقایع تکرار همان مسائل است. بنابراین تاریخ حادثه مهمی مثل جنگ باید درست بررسی و تحلیل شود تا آیندگانی که کشور را اداره می‌کنند درس‌های لازم را از آن بیاموزند.

بر اساس خاطرات علم سه نکته در مورد جنگ عراق علیه ایران جلب توجه می‌کند. اول اینکه عراق شروع کننده جنگ خواهد بود. دلیل آن هم مسائل حقوقی است که مورد

آسیب دیگری که روایت‌های جنگ را در معرض آسیب قرار داده غفلت ازپرداختن به مسائل جنگ به‌عنوان یک کار دانشگاهی است. اگر موضوعات دفاع مقدس به نحو علمی و دانشگاهی بررسی نشود، یقینا آموزه‌های آن وارد حوزه پژوهشی ومدیریت بحران نخواهد شد. یکی از اشکالات دوران دفاع مقدس عدم توان عملکرد نظامی واقدمات سیاسی ودیپلماسی بود. به این معنا که قدرت نظامی با همه تعیین کنندگی، ختم کننده نبود. به گونه ای که سناربوهای مختلف در ارتباط با اینکه جنگ به چه سرنجامی خواهد انجامید مورد بحث‌های راهبردی قرار نمی‌گرفت.» پایان بخش سخنان سردار علایی طرح این نکته بود که چرا بعد از جنگ پرسش گری از جنگ را مورد حمایت قرار ندادیم وبه سوالات به‌طور گزینشی پاسخ دادیم. حال آنکه ما نیاز داریم با اشاره به نقش فهم درست تاریخ در اداره کشور می‌گویند: «مسائل تاریخی اگر درست درک وفهم شوند، در مدیریت آینده کشور خیلی مؤثر خواهد بود. این‌ها نکاتی است که ما در جنگ آموختیم.» سردار علایی در ادامه با طرح یکی از سوالات امروز جامعه مبنی بر اینکه آیا ما در جنگ غافلگیر شدیم یا نه؟ می‌گویند: «دوستان در این‌باره کلی کتاب نوشتند. اما اگر بخوایم پاسخی صریح بیاشاره به نقش فهم درست تاریخ در اداره ماشین جنگی عراق را شنیدیم اما قبول نکردیم که می‌خواهد جنگی به این گستردگی به راه بیندازد. حال اسم این را می‌گذارید غافلگیری یا ناباور ی یا هر چیز دیگر نمی‌دانم فقط می‌دانم، امروز هم امریکایی‌ها «غرم

آسیب دیگری که روایت‌های جنگ را در معرض آسیب قرار داده غفلت ازپرداختن به مسائل جنگ به‌عنوان یک کار دانشگاهی است. اگر موضوعات دفاع مقدس به نحو علمی و دانشگاهی بررسی نشود، یقینا آموزه‌های آن وارد حوزه پژوهشی ومدیریت بحران نخواهد شد. یکی از اشکالات دوران دفاع مقدس عدم توان عملکرد نظامی واقدمات سیاسی ودیپلماسی بود. به این معنا که قدرت نظامی با همه تعیین کنندگی، ختم کننده نبود. به گونه ای که سناربوهای مختلف در ارتباط با اینکه جنگ به چه سرنجامی خواهد انجامید مورد بحث‌های راهبردی قرار نمی‌گرفت.» پایان بخش سخنان سردار علایی طرح این نکته بود که چرا بعد از جنگ پرسش گری از جنگ را مورد حمایت قرار ندادیم وبه سوالات به‌طور گزینشی پاسخ دادیم. حال آنکه ما نیاز داریم با اشاره به نقش فهم درست تاریخ در اداره کشور می‌گویند: «مسائل تاریخی اگر درست درک وفهم شوند، در مدیریت آینده کشور خیلی مؤثر خواهد بود. این‌ها نکاتی است که ما در جنگ آموختیم.» سردار علایی در ادامه با طرح یکی از سوالات امروز جامعه مبنی بر اینکه آیا ما در جنگ غافلگیر شدیم یا نه؟ می‌گویند: «دوستان در این‌باره کلی کتاب نوشتند. اما اگر بخوایم پاسخی صریح بیاشاره به نقش فهم درست تاریخ در اداره ماشین جنگی عراق را شنیدیم اما قبول نکردیم که می‌خواهد جنگی به این گستردگی به راه بیندازد. حال اسم این را می‌گذارید غافلگیری یا ناباور ی یا هر چیز دیگر نمی‌دانم فقط می‌دانم، امروز هم امریکایی‌ها «غرم

در آن حضور داشته‌اند. نسلی که در جنگ حضور داشت، اعم از فرماندهان، بسیجیان ونظامیان، الان هم هستند ومسائل جنگ را روایت می‌کنند. اگر چه همه آن روایت‌ها رسمیت نیافته وبه‌صورت مدون تدوین نشده باشد. ولی صدای آدم‌های جنگ را همه‌جا می‌توانیم بشنویم. روایت‌های دست اول و اصیل از جنگ که هنوز وجود دارد و هرکس روایت خودش را بیان می‌کند. بنابراین تاریخ نگاری جنگ به معنای واقعی آن محال است. زیرا آنچه ما در حال طرح آن هستیم روایت تاریخ جنگ از زوایای مختلف است. ما علم تاریخ جنگ وتاریخ نگاری جنگ نداریم. لذا از مباحث هرمنوتیکی تا پژوهش‌های پوزیتیویستی، هر گز نمی‌تواند تحریف شده دارد. بنابر این سوآلی که پیش می‌آید این است که کدام یک از آنها درست است. از دیدگاهی حتی روایت فرماندهانی هم که درجنگ بوده‌اند می‌تواند روایتی تحریف شده باشد. بهدلیل آنکه کسی که زمانی در جنگ بوده الان در یک شرایط دیگری قرار دارد و به‌لحاظ اخلاقی و مادی در شرایط دیگری است. خیلی مواقع شده است که کتابی را ۵ یا ۱۰ سال پیش خوانده ایم، وقتی دوباره به آن رجوع می‌کنیم، می‌بینیم نکاتی بوده که آن زمان به آن نکات توجه نکرده‌ایم. اینجا بحث دقت مطرح نیست، بلکه چیزی در ما تغییر کرده و امروز مسائلی برای ما مهم شده که آن زمان مهم نبود. این دلالت بر تغییر وجودی آدم‌ها دارد که آنان را با تفسیرهای متفاوت مواجه می‌سازد. این نگاه تاریخ نگاری و رفتن به سمت الگوی واحد از تاریخ را دشوار می‌کند. ما در هر واقعه‌ای چهار مؤلفه داریم/ مؤلف، راه حل بی‌بستی که مطرح کردم نیز این است که همه قرائت‌ها به رسمیت شناخته شوند.